

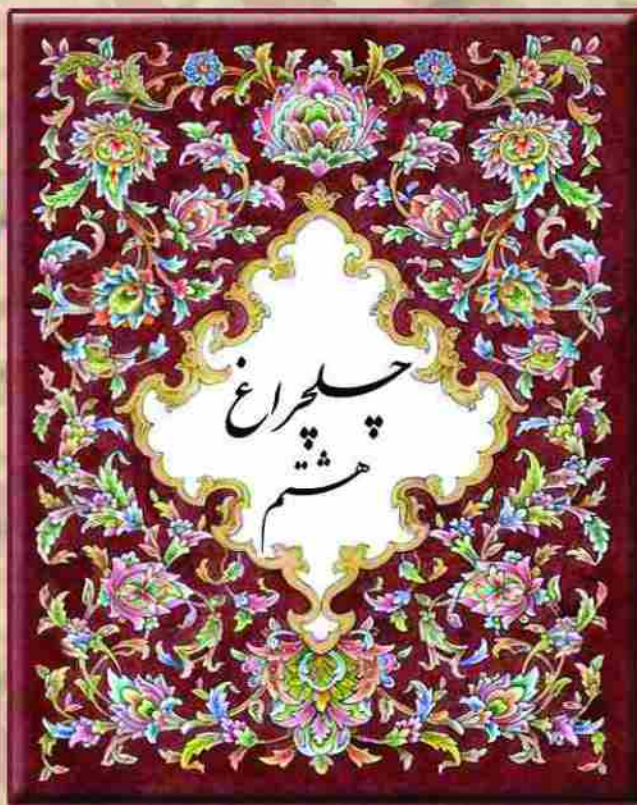
رباعیا

حکموں پر غم

حامد اصفہا نے

جلد دوم





استاد مهدی رسی

خوشنویس حسن پیران هشتم

ای کاش که دست داریان یوم
ترننده ی عارفان یوم
ای کاش که دست رسیدگان یوم
حق است که هر کس رسیدگان یوم

حاجه آصفیه

نورالدین

شاهی هزارشاهان فرزندان شاه
شاهی هزارشاهان فرزندان شاه
شاهی هزارشاهان فرزندان شاه
شاهی هزارشاهان فرزندان شاه
شاهی هزارشاهان فرزندان شاه
شاهی هزارشاهان فرزندان شاه
شاهی هزارشاهان فرزندان شاه
شاهی هزارشاهان فرزندان شاه
شاهی هزارشاهان فرزندان شاه
شاهی هزارشاهان فرزندان شاه

حاجہ اصفیٰ

سده سلوات پشیمان دارم
وزیر پشیمان دارم
این تور را سی پشیمان دارم
آخر پشیمان دارم

حاجه آصفیه

نور علی

ادب و کمال
چو گویند به پادشاه
همیشه
که ملک صلوات بر سر زبان
چو گویند به پادشاه
زبان شوی

حاجه آصفه

نور علی

خبر عشق و عاشقی
باز نهدی عشق و نهدی
در صفا باد و در صفا
در صفا باد و در صفا

حاجی

نور

سلطان را یار است سدید
درد است غمت که هیچ توان نیست
نیکو است خواست و دو با شکم
از نیکو هزارا و عیار نیست

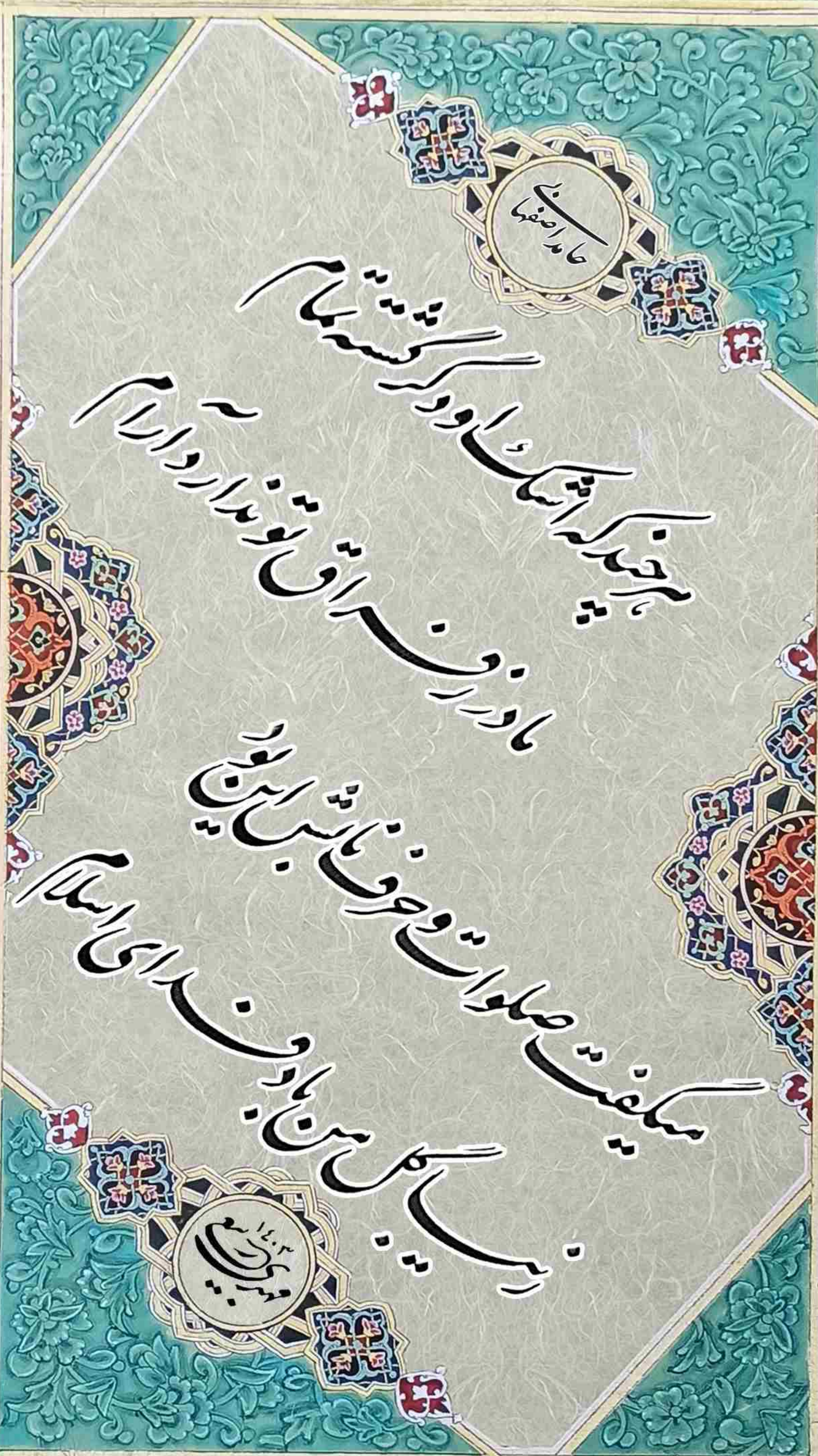
حاجه اصفهانی

نور علی

تیمان درویشیه
مادر بزرگوار
کفایت
مادر صلوات
چشم امید
را بدن

حاجه اصفهانی

تیمان



دیر جمعی از شیخ
مستورین
ارکضوات و اشک بران
احوج

حاج احمد

نور

رَبِّهِ قُلُوبَ رَاغِبِی مَادِرِ
رَبِّهِ قُلُوبَ رَاغِبِی مَادِرِ
رَبِّهِ قُلُوبَ رَاغِبِی مَادِرِ
رَبِّهِ قُلُوبَ رَاغِبِی مَادِرِ

حاجه اصفهانی

حاجه اصفهانی

تو نور سادات زینبی صلوات
جموعی هم فانی صلوات
دائر صلوات خود را هم بر این صلوات
قائم را پای و

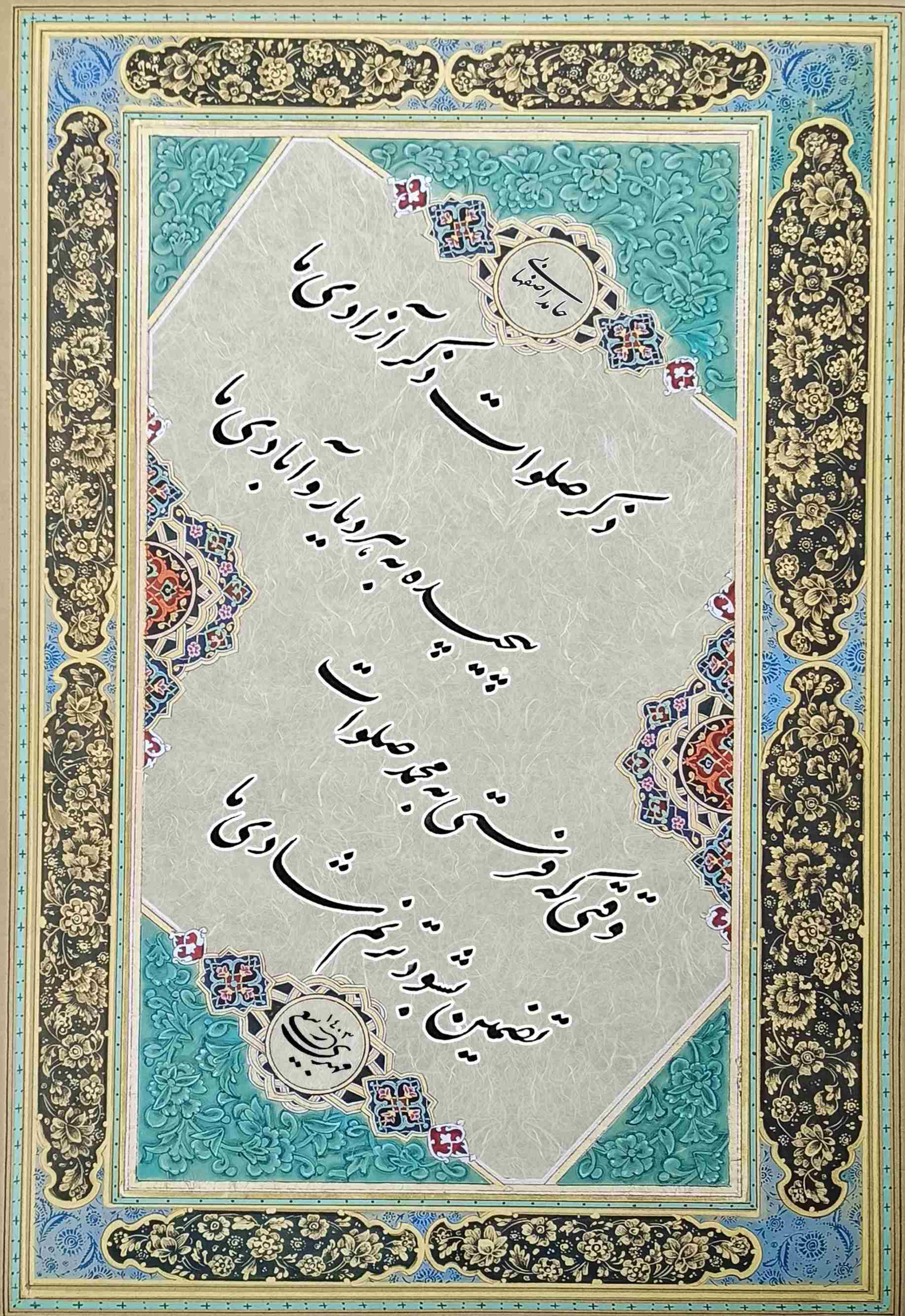
حاجه آصفه

نورانی

بن با صوات خورشیدی
شادی محبوب و ناز
نوازه نامیده مصطفی
بن ابراهیم

حاج آصفی

نورانی



حاجه اصفهانی
بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين

حاجه اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحیم

انکه صلوات بر علی و آله
و ائمه اطهار
و صلوات بر محمد و آله
و ائمه اطهار

حاجه آصفه

نور علی

اگر صلوات بخوانی
وزیر دولت خواهی
اگر صلوات بخوانی
پادشاه خواهی

حاجه آصفه

نور علی

باب صلوات علی سید عالم
از شاهزاده حسن میرزا
که صلوات قطره ای ناب و نازک
بر سر آید خورشید صدف

حاج احمد رضا

نور علی

پای علی سید خوراک صلا
ببین جلی سید خوراک صلا
ارک صلا سید خوراک صلا
ارک صلا سید خوراک صلا

حاجه اصفهانی

نورانی

توری بدلم خست بر در صلوات
ایب نشاندن بر در صلوات
ار که صلوات کرده عجب کیفیت
من را نبوده بر در صلوات

حاجه آصفیه

نورانی

حاج سید محمد باقر
پایین

مجلس
پایین

حاج سید محمد باقر

پایین

حامداً صغیراً
اگر صلوات بر کسی کرده است
بار صلوات بخود و پیشین

ملازم
در ویرانه‌های بنوع
بزرگای و دوشین

میرزا

در دلم آفرین و آفرین
بر طغیان و طغیان
شمار از این این
در دلم و دلم و دلم

حاجه اصفهانی

نورالدین

سجده صلوات بر خورشید و ماه
که هم صلوات بر خورشید و ماه
که هم صلوات بر خورشید و ماه
که هم صلوات بر خورشید و ماه

حاج احمد

حاج احمد

حاج احمد رضا
مناجاة صلوات بر ائمه و آل ائمه
علیهم السلام

دارم صلوات بر ائمه و آل ائمه
علیهم السلام

الحمد لله

وادی به جایت و نایم صواب
چشمه سار و نایم صواب
دارای و نایم صواب
ای شده و نایم صواب

حاجه اصفهانی

نایم صواب

حامداً صفاً
در صلوات شادای عباد است
در شادی و عبادان جاد است

دام صلوات شادای عباد است
دام صلوات شادای عباد است
دام صلوات شادای عباد است

حاجه راضيه
در مکتوبات پيام عظيم
دوم و چهارمين از اوارا

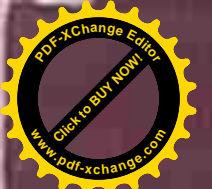
در مکتوبات پيام عظيم
پنجم و ششم از اوارا
نهمين



حامداً صغیراً
ارزیده و دوباره وقت صلوات
در صلوات داده ما هم با صلوات
دائم صلوات بر محمد و آل محمد
از آنجا که در اوده از حاجت
تبرکات

عبدالصفتی
سجده صلوات بر پیامبر و آل
و اهل بیت ائمه شیعیان

کریم صلوات بر ائمه اراکین
و در ادهی او و بازو و
نهیض





بہارِ خواجہانِ بہارِ خواجہان
قلمِ سحرِ خواجہان

عبدالصفتی
رسودگی از مصلوات
پایه

دام صلوات مستقیم
پایه
پایه

پایه

عبدالصفتی
بار صلواتی دل سار بار اول
مقصود من از بار صلوات

الحکم و علم سار صلوات
بار صلواتی دل سار بار اول
بار صلواتی دل سار بار اول

حادثه
کتاب صلوات خود و مصوبات
قائم صلوات

کتاب صلوات خود و مصوبات
قائم صلوات
مهری

نور صلوات و سببیت اید
عبد الصفا
در بیان سببیت صلواتی
در او ذی بود
نور صلوات

عاشقانه
چشمی مدحی صلوات
ارباب
دانی شود و صلوات

کتاب و صلوات
نفران و صلوات
کتاب و صلوات
نفران و صلوات

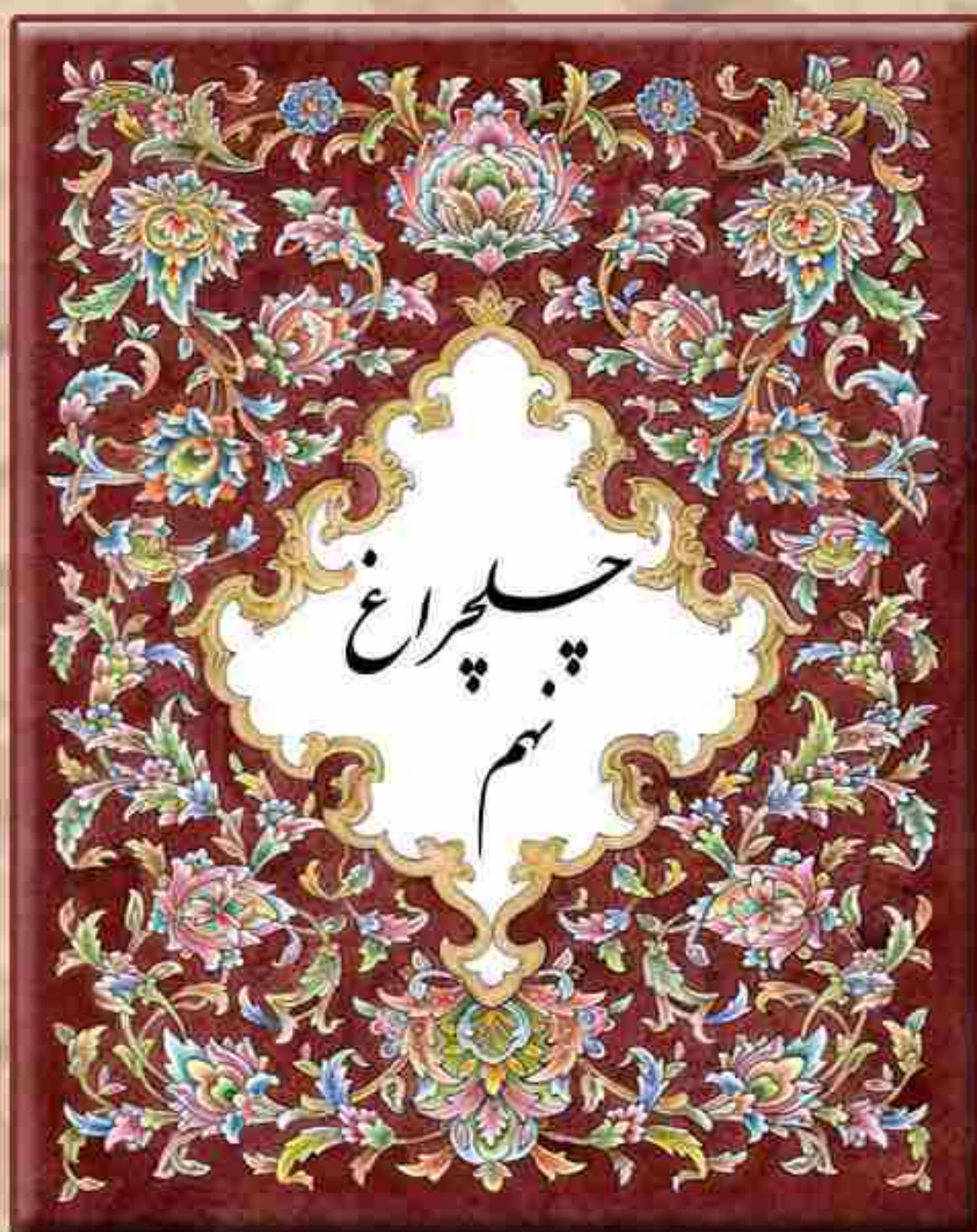
عاشقانه

نفران

عبدالصفت
ملک نور محمد بن
کرمدوات بن محمد بن
کرمدوات

سنان محمد بن
کرمدوات بن
کرمدوات

کرمدوات



استاد مهدی برسی

خوشنویس پسرانم

قوافی کا فن
حافظ
اسلم و فاضل
بازار بند کھول جا صواب
بازارستان
تبرکات

چای و بار و بار و بار
شیر و شیر و شیر و شیر
قازندنی و قازندنی و قازندنی
بار و بار و بار و بار

حاج

تبریز

حاصل

کتابخانه ملی ایران
کتابخانه ملی ایران
کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران
کتابخانه ملی ایران
کتابخانه ملی ایران

خواجه و شاه شهبازی و شهبازی
از دوزخ و دوزخ

شاه و شاه شهبازی و شهبازی
از دوزخ و دوزخ

حافظه
ایمان را بر این دین
تسلیم و شهادت

کلمه است بر بندگان
که می گویند و می خوانند

اسماء مبارک شمس و زهره
زبان شمس و زهره
و فی صوا و سحر و سحر
دلم که سحر و سحر

حافظ

نور

حافظه
ازین و ازین شکر صلوات
ازین و ازین صلوات

که نوشته و ازاد و ازین شکر صلوات
حافظه و ازاد و ازین شکر صلوات

حاجت
سجده
سجده از او بخواه
سجده از او بخواه

سجده از او بخواه
سجده از او بخواه
سجده از او بخواه
سجده از او بخواه

حداصفی
شعبان و فراوانی عشق و حکمت
شعبان را از شفق و باران

شربت را از این عسل حکیمانه
اگر شمع صفتی و شمع موعود
نیریزد

حافظ
نایب صوابت و نور خوان شده
مواره

سلطنتی و نور خوان شده
نور

حافظه
ایک صد و اسی و یک
و پنجاه و یک

از کتاب
تاریخ
خاندان
میرزا

قوی را شود علم و ادب
باز این دو بی هم نماند
ایرلمانی راه مستقیم
ایر قوی و نام مستقیم

حاج آصفی

تبریزی

حافظ
یار در پی عشق
آلوده زبان خود به سخن

دلم صواب
تو چشم هزاران
بهری

حافظی
آواز تو شمع را گوید صیقل
شناسد به لاله را گوید

آتش خود را می فروشد مست
آتش تو را به زور طبع می فروشد
تبریزی

جامه صفت
مجموعه‌ای از آثار ادبی و تاریخی
از دوران صفویه تا قاجاریه

که در کتابخانه‌های مختلف
در سراسر ایران نگهداری می‌شود
برای مطالعه و تحقیق

کار صلوات و نیسان را افلاک
شده عبودیت جان حدیث و کلام

حافظ

دیده اسرار مست را در این
کرده راقی او به کمال

نورانی

حارث



حافظی
رسان شده است به این مکتوب
بنا

راش قلم به این مکتوب
برای

زبان روزگار با تو ای شایسته صلوات
بر این خدادیده مرصع صلوات

بمهرام تو شکفتن باغ گلزار
عواره زار می بر این صلوات

از در وایم هر چه
از غنچه و بوی خوش
حافظه
از در وایم هر چه
از غنچه و بوی خوش

از رخ و رخسار و بوی خوش
از رخ و رخسار و بوی خوش
تبرکات

دشمنان را بفرست
در راهی که در راه
دشمنان را بفرست
در راهی که در راه

حاجت

نیز

حاجه صفیه
تختی من نموده است
را حاجت من نموده است

وقی که برت
را آن خبر
که از بهر
تبرکات

حاجه صفیه
بسم الله الرحمن الرحیم
نموده به دست
میرزا حسن خان

صد محمد که از غنای دست و لطف خدا
راش کور داده دست و لطف خدا
نموده به دست
میرزا حسن خان

نادر علی گون راوان ملو
با خواندن این ابیاتی
حادثه

نامر و دایه بی تران
شیر نموده درمان
الامر

جاء اصفا



ای سحر و جادو و تیران صلوات
ای بارش قطره های باران صلوات

نور در آینه ای که در آینه
در آینه ای که در آینه صلوات

حادثه
ارواحی شمشیر پاک عیسی مسیح
نموده بی دعا احاطه شد

در راه مبارک جاب و گریز
اغیار خیر پسین کند به غایت مسکون

حاج احمد رضا
در بوند غریب
حسبنداری
چشم مستور

در سخن بوند و ساد و ساد
و قیاسی بوند
مقامی مستور

ما را صفت
این بود که
سین از این عهد
ما را صفت
ما را صفت

حادثه
بر صلاحت و سیرت
مهر

انعمی در شکر صلاحت
تغی و وفای سیرت

این سال خوار و خوار شد
داه رهنش
خواره فرستاد
مهر و مهر

حافظ

نور

پایان کمال و کمال
حافظه
ارغوانی و نونان
تبریز

حاصل

زبانده را با اوای ابر
حدا صفت
جانب
عمره ملاک مسعودی علم برت
نیز بری سر یک و مناس
تبرکات

وای غم زار و غمناک
مگر بجز این که
تو دیده‌ای از این که
مگر بجز این که

حاجی

نور

ج۱۲ ص ۱۱۱

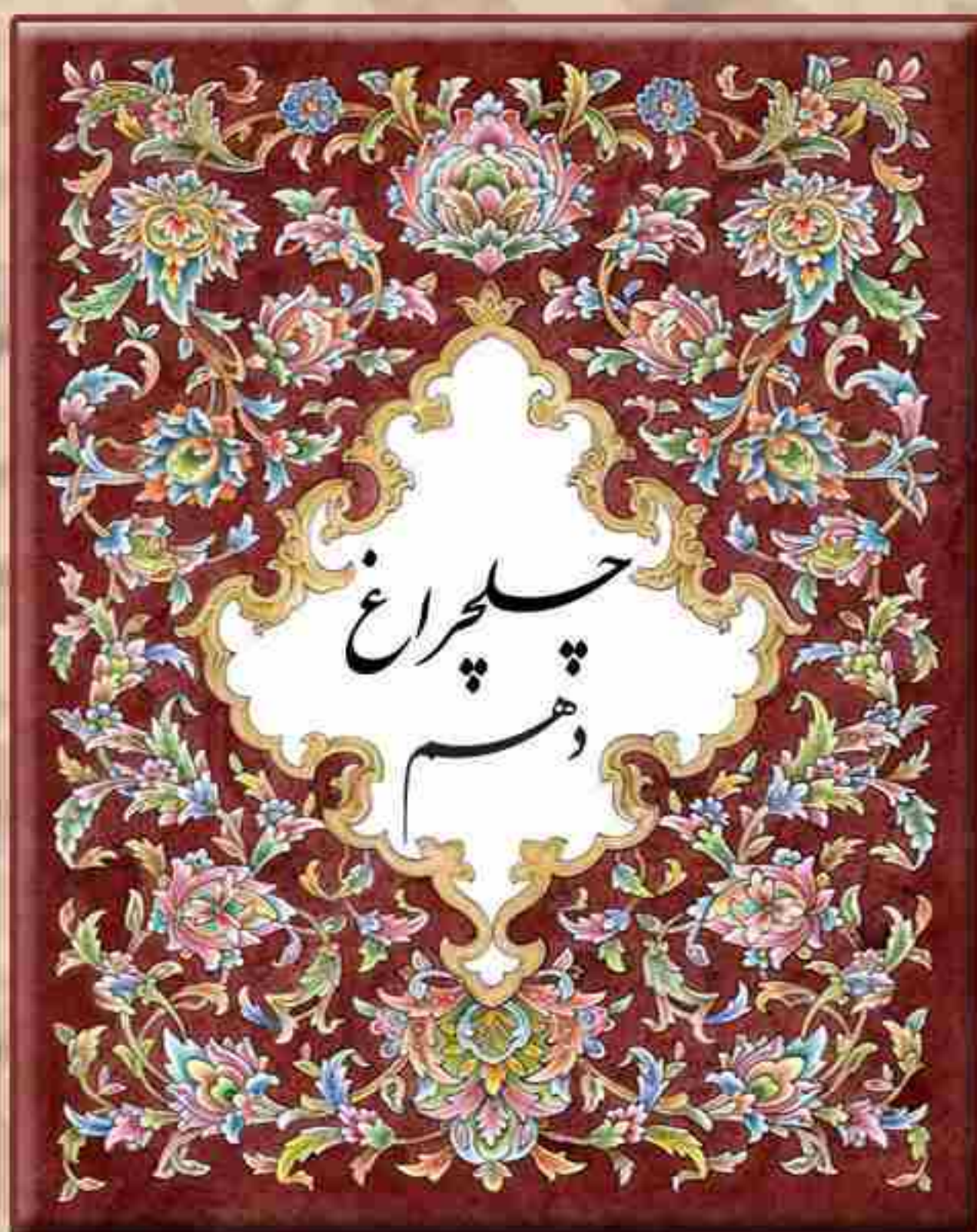
حادثه
در میان
دو صوا
تبرکات

حادثه
رسیده به این مقام
صفتی
که در این مقام
رسیده
از انوار حیات رسیده
به این مقام

کار صلاوات از کتب
فقه و فرائض
کتاب دوازدهم
پایان

حافظ

تبریز



استاد مهدی رسی

خوشنویس حسن پیران مقام

حاجد اصفا

پایان کلمات پر فرشته
صدور شاهستانه

کرم کلمات و بارم کرم
پر شمعین قطره واراد کرم

نور کرم

حاجد اصفا

سجده شریف
مقام شریف

مقام شریف
مقام شریف

مقام شریف

خادمہ صفیہ

ان کے صلوات کی دعا
ہو کہ وہ جہنم میں
جائیں

اللہ تعالیٰ
ان کے لیے
جہنم میں
جائیں

مہرِ محمدی

حامداً و صفيهاً

تجلیات علی غفران شده
چشم شمعان دوران شده

دختر شمعان در کمال
استغوار و طوفان شده

نورانی

حامداً و صفيهاً

ایام مسکوات و قوس و سیاهی
بازار خندانان سیاهی

ز جلد قلم و سیاهی
فست و سیاهی

نور و سیاهی

خادمه صفیه

خود را صلوات و عین بر او
نیز بار کرم عاشورا

گفته ای نو و عین بر او
در ایام کرم خود را

نیز بر او

حاجه اصفهانی

ای شمع زبده پنداری
مهر صلواتش دلم آری

ای زلف و نام و نور غبار
مهر حرمش دلم آری

مهر آری

حامداً و صفيهاً

کسی تحقیق بیان آگاه است
رازد صلواتش دور و نزدیک

از که صلواتش بر پر و پا
شده و دور و نزدیک بیان ماه است

میرزا محمد

حامداً و صفيهاً

ز اشعار شریک شکر اقبال
من با صلوات صاحب خانم

درم صلوات سید شریک
من با صلوات شیخ

نور محمدی

حامداً و صفيهاً

گویم صلوات و غفور و بزرگوار
مهرش بر ای داناگران

حامد و پیمان را حفظ از گنجه
مهرش بر ای داناگران

مهرش بر ای داناگران

حامداً و صفيهاً

قادر و متواضع و بزرگوار و
ای و دانا و پندار و خردمند

پاک و ساد و مومن و
دانا و پندار و خردمند

مهر و محبت

حامداً و صفيهاً

بار صغیر
پیشوایان
پیشوایان
پیشوایان

نہر سلوشت چن چار چار
نہر صد چار و چار

خادمہ صفیہ

بابا صلواتی که تقوا شده ایم
دلداره می رانم که پشیده ایم

گنجینهٔ جہانگیر
از راجہ راجندر پریہ
میں

حامداً و صفيهاً

ایک صلوات خود و دوست
دوستی کدهات بادہ پر

خود با صلوات بادہ ام و نساہی
خود با صلوات دوستی

میرزا محمد

خادمه صفیہ

خود با صلوات شریف بر دار
سایه شادی و نور دار

من را تو به راه عشق بنون کرد
روادی عشق پیچ و بالمر دار

نہایت

حاجد اصفهانی

از کلمات بودہ بنی نو
تفہیم ربان بدی سوره

کلمات بودہ حکیم
سوره راز الطاف غفور

نورانی

حاجد اصفا

بازم که شادمانی و شادمانی
بازم که شادمانی و شادمانی

بازم که شادمانی و شادمانی
بازم که شادمانی و شادمانی

بازم که شادمانی و شادمانی

حاجی آصفیہ

ای فصل بہار و عشق و ہستی صلوات
تو پیش رفتن را اہل حق پرستی صلوات

ما را تو پرستی عشق و اہل حق صلوات
تہمای درون ما پرستی عشق صلوات

تہمای درون ما

خادمه صفیہ

از کہ صلوات بر پیشانی
این از که خدا بشاره بکند

باز صلواتی که منی بجا
صد عکوبه ای که از دست او برآید

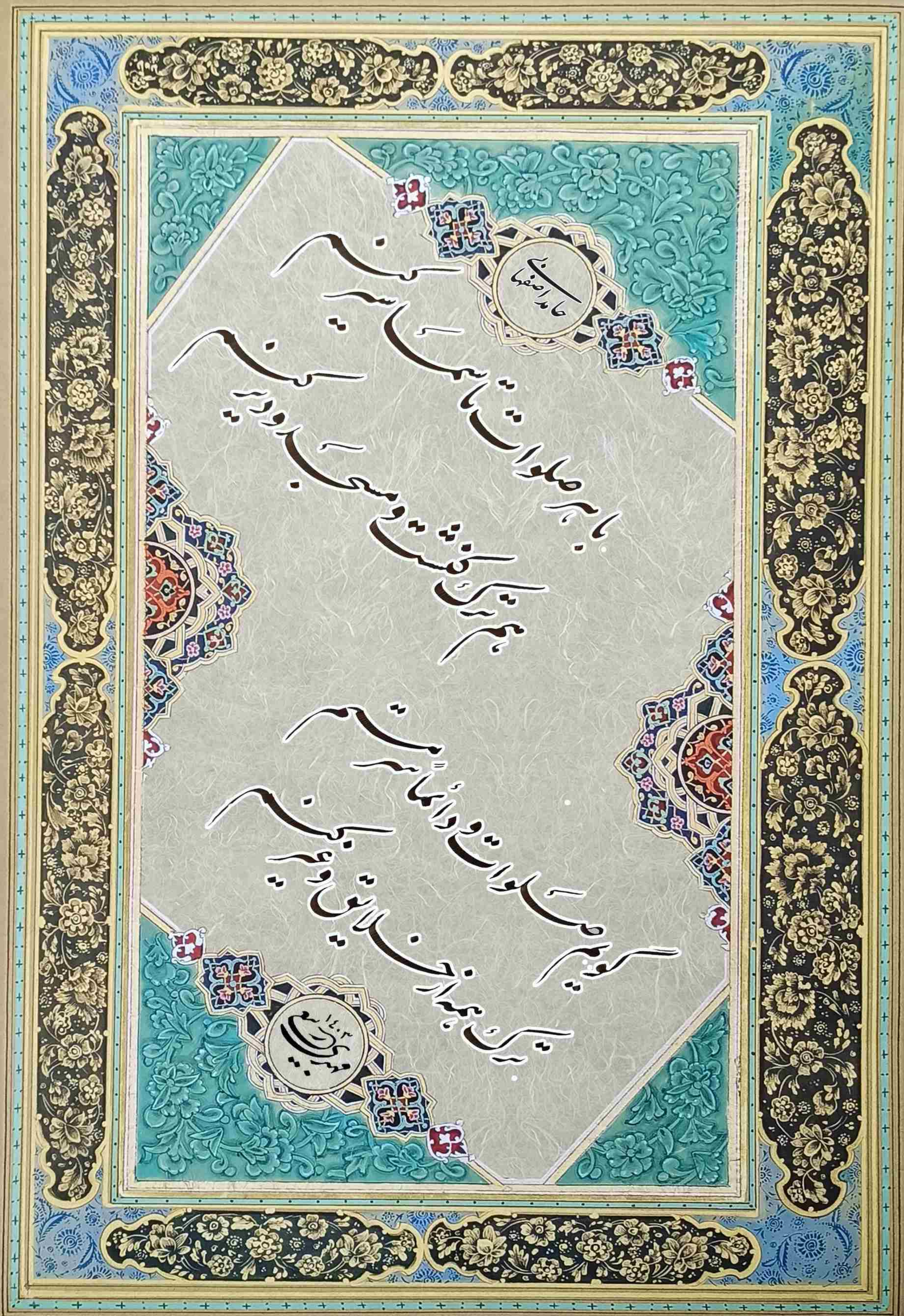
نور محمدی

حاجه صفیه

بسی وید بود و بودم
مواره بودم و بودم

مست و است و است
مست و است و است

مست و است



حاجی اصفا

جام صلوات شویسمان دار
دل و ناله
دائم صلوات شویسمان دار
قدیم ارواح شویسمان دار

حامد اصفا

نورانی

کرامت و شرف و بزرگواری
باید پیش رو درازی
و کرامت و شرف و بزرگواری
باید پیش رو درازی

حاجه آصفیه

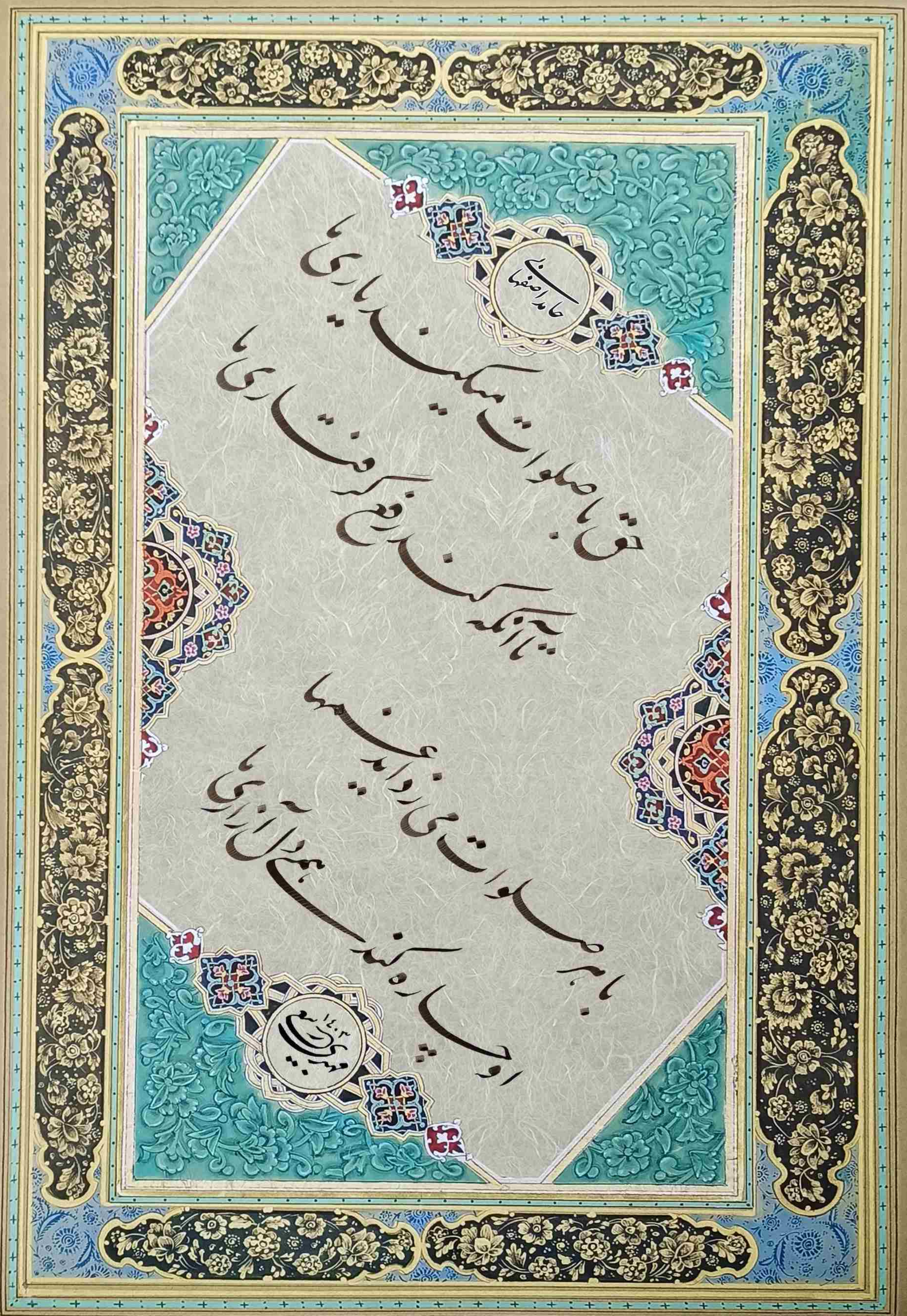
نورالدین

سرمد
شاه و خندان
چهارم

شاه و خندان
چهارم
شاه و خندان
چهارم

شاه و خندان

شاه و خندان



ایک صلوات حکیم بیان بد
دل آید رای جان بد
دام صلوات حکیم بیان بد
بیان نزع و حکیم بیان بد

حاجه اصفهانی

نورانی

قربان صلوات تو بر سر
است

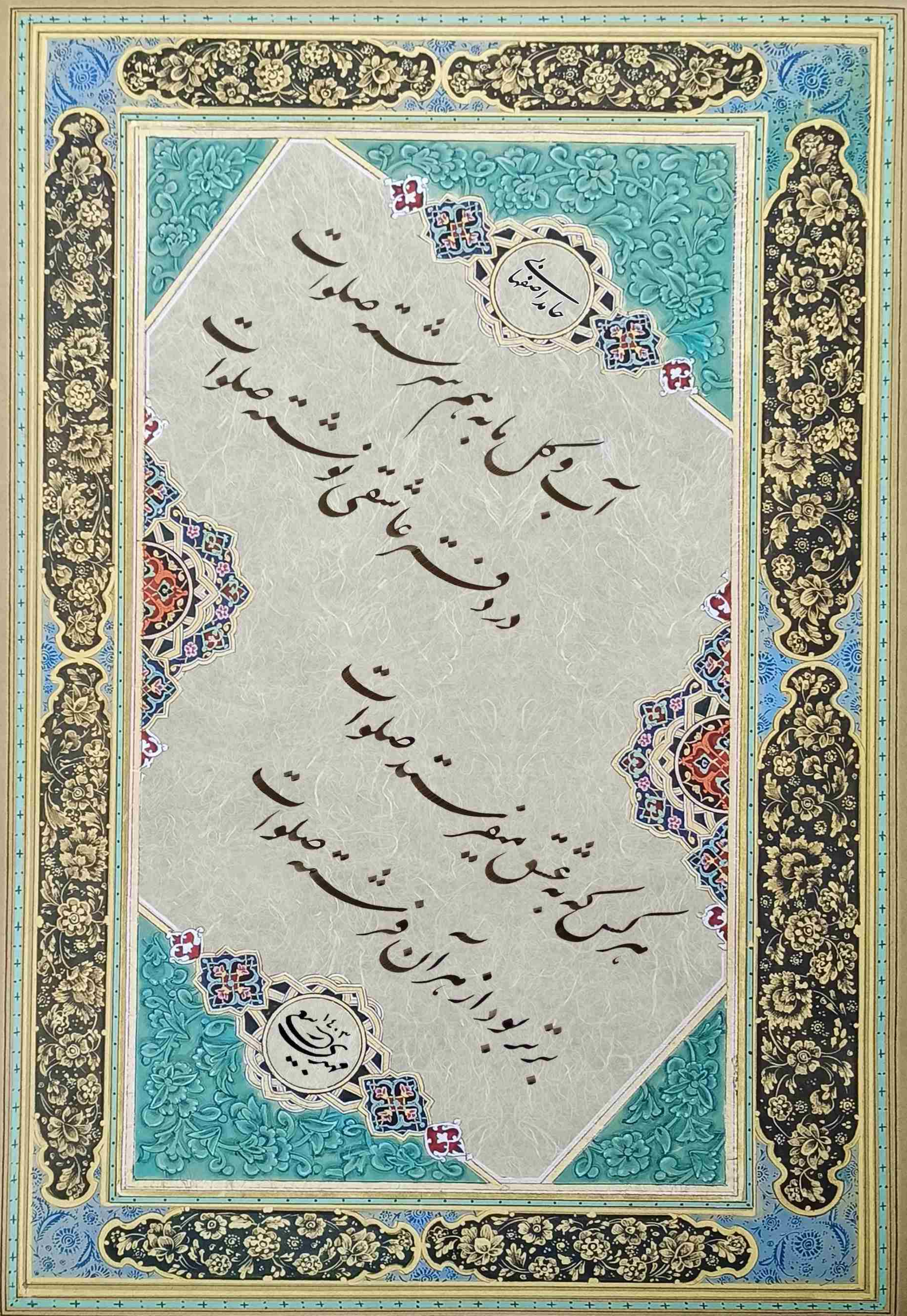
ایک صلوات کفایت میکند
بر سر شریفی سلطان دایم

حاجه اصفهانی

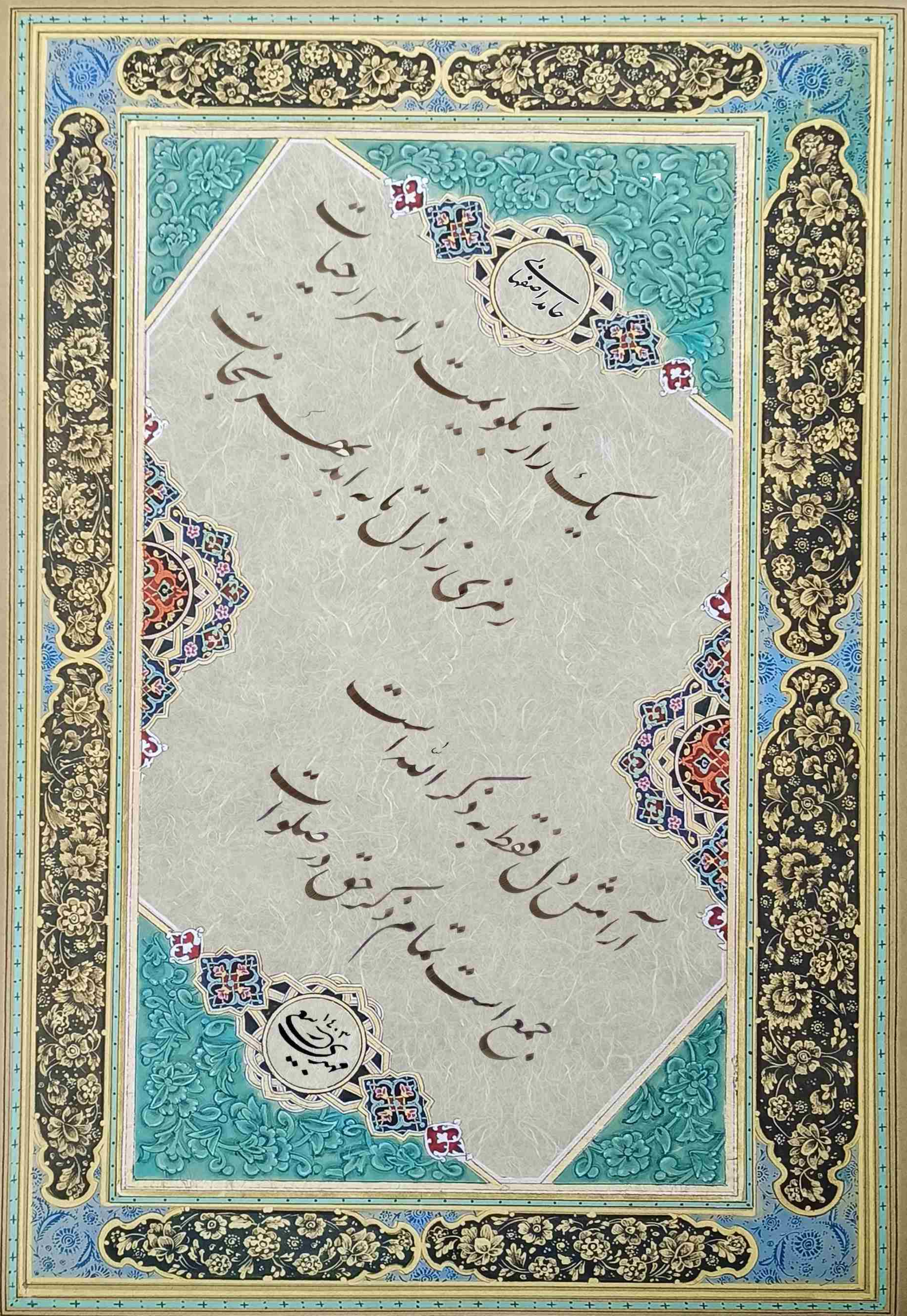
نور علی

حاجه اصفهانی
از رکعت اول نماز شب
درین اذان در آن رکعت

از رکعت دوم نماز شب
بنیان کن در وقت سحر



حاجہ اصفیاء



حرم شهبازیه
آرامه شهبازیه
صلوات

به وقت ظهور است و نور و نور
اینجا به جا
صلوات

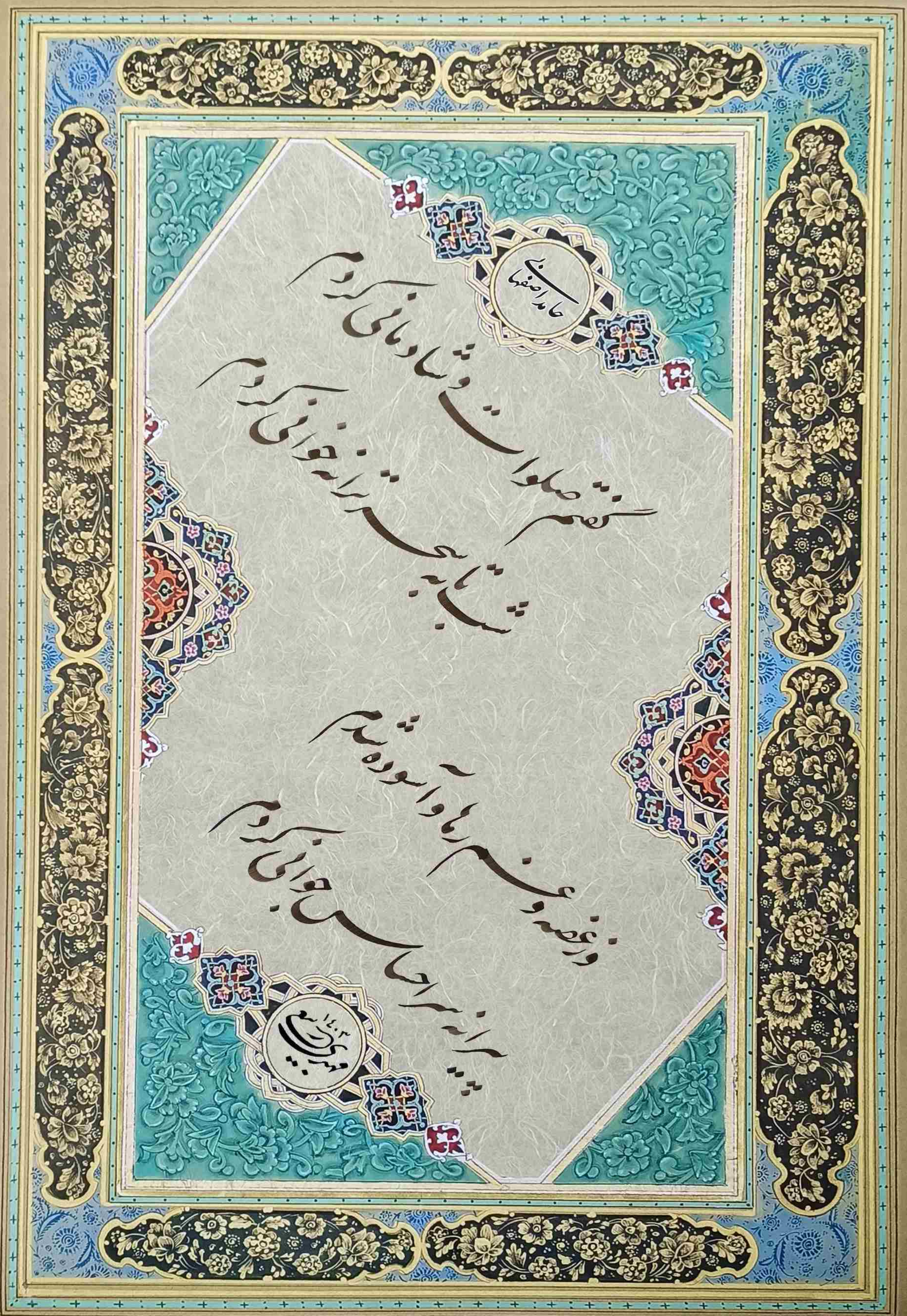
حاجه آصفیه

نورانی

حاجه اصفهانی
ایک مسکونی شہر
حاجہ بیگم
میلاد امام
کر کرده
مسلماں شہر و دور
مسلماں

حاجه اصفهانی

مسلماں



حاجه صفیه

باز صلوات شاد و خندان باد
به نیتی که میان عمر خوان باد

من وقت کز حجاب چو شاد
بشاد و بهر حجاب چو شاد

نور محمدی

حامداً و صفيهاً

شیر نرزه رسد ماه بهار
بسیلا در بهار ماه شایع

صلوات بر امام الوصی
که از راه کیم در راه

نور محمدی

حامداً و صفيهاً

نیچر شادی چینی
بہار صلوات پر

سکینت صلوات ہم را نوشاوی
نہی بہ دارن پیہ

نہی بہ دارن پیہ

عابد اصفہانی

من با صلوات تو پیش پوریدم
را خطہ پوریدم و عبد کرم

من عابد اصفہانی ام با صلوات
راجہ سردار ان

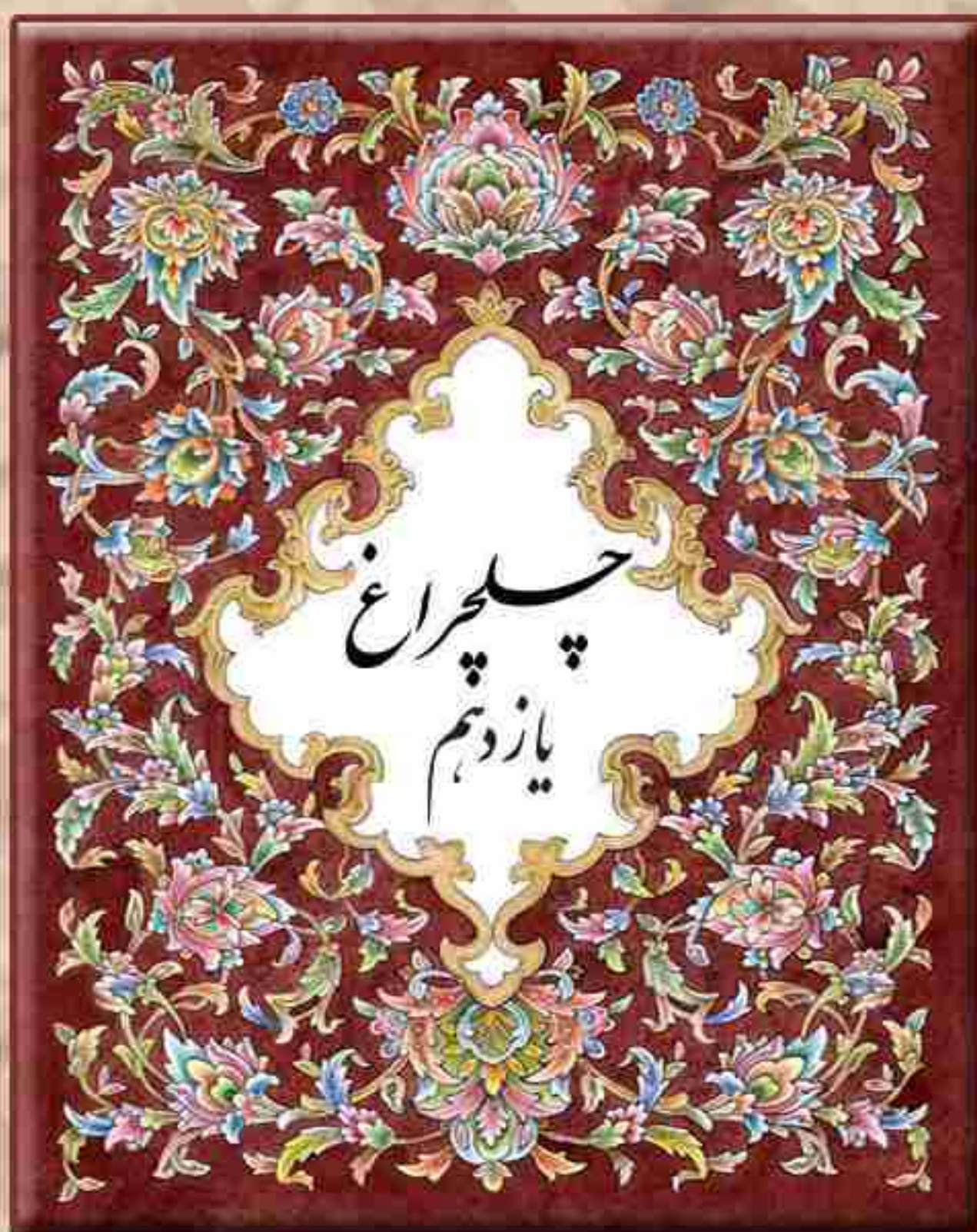
نہایت

حامداً و صفيهاً

سید پریشان مدوا
سنتی پریشان مدوا

سنتی پریشان مدوا
سنتی پریشان مدوا

سنتی پریشان مدوا



استاد مسعود صابری

خوشنویس پسران یازدهم

خادمه صفیه

ایک صلوٰۃ شریفہ
مسلکِ عمر
از عمیق وجود
از غصہ و غم
شیرازی

۱۲۰۳
مبارک

خادمه صفیاء

بر کمال و شرفی هم پرور
این شهرتین بود او را

تا آخر عمر می یار
عشق راه دوست جان می یار

۱۲۰۳
مبارک

خادمه صفیہ

از صلواتی ناز عجب
صدور است بهار
از صلواتی ناز عجب
مساج روح و جسم

۱۲۰۲
خادمه

حاجد اصفا

رخ عشق شمع می مانی
کس با صلوات خویش

از شوق و عشق زان کجاست
ای که در عالم عشق

حاجد
۱۲۰۳

خادمه صفیہ

ایک صلوٰۃ سنچ دارم
وہی

ایک صلوٰۃ سنچ دارم

ایک صلوٰۃ سنچ دارم
وہی

۱۲۰۲
خادمہ

خادمه صفیہ

یا اے عظیم الشان پروردگار
عزت و جلالت تو را صلوات

تو را در تمام دنیا و در تمام
زمانہ صلوات

۱۲۰۳
مبارک

خادمه صفیہ

تو بہت محدود علی اصولاً
ان اہل سنیہ منجلی اصولاً

نہ کہی غرض و اندوہ
م کردہ سنیہ اصولاً

۱۲۰۳
مبارک

خادمه صفیه

از مرامم اهدا
از کی که خدو و بهر

ان از نصیب کون چون در ارباب
در دو حجاب و ده وین

۱۲۰
مبارک

خادمه صفیاء

از کجاست اهل غمزه صلوات
از کجاست صوفیه صلوات
ماوردی صلوات

از وعده صادق و الطاف خدا
از کجاست صلوات
از کجاست صلوات

۱۲۰۳
صالح

خادمه صفیاء

ایستادش در غایت واریش
را که بوده دل مصفای
از غلبه رضا و تواریش
مستور می کشد بویاد صلوای

۱۲۰
مبارک

خادمه صفیہ

از رملواتی رزمیہ

از حسن اعجاز

زین تشکیک

امدی کردی

تادوستی کلان

از رملواتی

۱۲۰
خادمه

خادمه صفیہ

ایک معصومہ سلام و ملو
راؤ کہ بود فیہ و نور جا

انکس کسندہ ہار شین
نقص را و ملک نام جا

۱۲۰۲
ملک

خادمه صفیہ

میں نے مصروفیتوں میں
ابار صلوٰۃ
رہا ہے کہ وہ علیحدہ
مباح ہے۔

۱۲۰
مبارک

خادمه صفیه

از در صلوٰت و سجده
ارکند خجالت از رخ و
آوده

روج و آینه خط در رخ
آوده
تا احوال اهل بیت
آوده

۱۲۰۳
مبارک

خادمه صفیه

از کرم خدا گشت این عبده را
زینج منبجان پنداری
بشد صلوات و سن این یوسف
بشد صلوات و سن این یوسف

۱۲۰
مبارک

خادمه صفیہ

بزرگی که بود به رخسار تو
رؤفقت را به رخسار تو
باشد صلواتی و از آن بی جا
دل با صلواتی و از آن بی جا

۱۲۰
حیات

خادمه صفیه

صد صلوات بر خاندان
راکدش بوده رعیه

حاجیه بی بی سال مطلوبه
از نسل سیدان کد غم

۱۲۰۳
حاجیه

خادمه صفیه

تسلیم
از بندگی
فصلوات
من از بزرگ
پسندیدم

کشتی
عصیان
از بندگی
تسلیم

۱۲۰۳
مبارک

خادمه صفیه

باشد و به کرامت و شادمانی
بایر صلواتی بر او در حق

او با صلواتی بر سید پادشاه
ما را از دل داده به این سلطانی

۱۲۰۳
حاج

حاجد اصفا

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والصلاة والسلام على سيد المرسلين
عالم شدة ربه

حاجد اصفا



در صلواتی که از ارباب و
 این عالم که از ارباب و
 دان ستمی پادشاه و
 و ستم و جوان و



حامد اصفیاء

[illegible]

این عشق و شور و غم
با آنکه در دل
شهرت و نام
ای سوه خفته

حاجه صفیه

۱۲۴۴



عبدالصفتی
اگر صلوات و عطر اویزم
دلداره آن
از کور
سواره
بهار شکفتن
چای



مسلک دار صابر سده و نهم
چشمه شاد و نهم
رازم صلواتی
با کرم و نهم

حاجه صفیه
حاجه

حادثه
اگر صلوات
حق میسر سازد
همان جهان چو مسکن سازد

سوره خدوند
اگر صلوات
سوره مطهر سازد
حق میسر سازد

حادثه

حادثه



عبدالصفتی
ابر صلوٰۃ دارہ حق و یقین
از صلوٰۃ
شکر صلوٰۃ
حرکت این زندگانی
عبدالصفتی

عبدالصفتی
اگر صلوات برده می‌شود
در عذاب و آزار
نیست کسی داده را در دوزخ
نماده به لطف خدا

۱۲۴۴
حاج

شکر صلوات و دعا بخواند
مرد را بهشتی
حاصل شود

شماره صلواتی
و غنای
ارجمت صلواتی
و غنای

حاجه

حاجه

شاه صواب
از کمال
استادان
شاه صواب

تتم صلواتی بر سر و بدن
وزیر صلوات بر سر و بدن
تا صلواتی بر سر و بدن
تا صلواتی بر سر و بدن

حاجه خاتون

تتم

کار صلاحت
در این دو عالم
همه را در این عالم
همه را در این عالم

حاج محمد

حاج محمد

اگر صلوات بر پیامبر
باشد و حق را بداند
و حق را بداند
و حق را بداند

حاجه

حاجه

نا صوا
اوده
نا صوا
نا صوا
نا صوا

حاجه

حاجه

شیرین و سعادتمند
از صلاوات و درودها
و از صلوات و درودها
و از صلوات و درودها

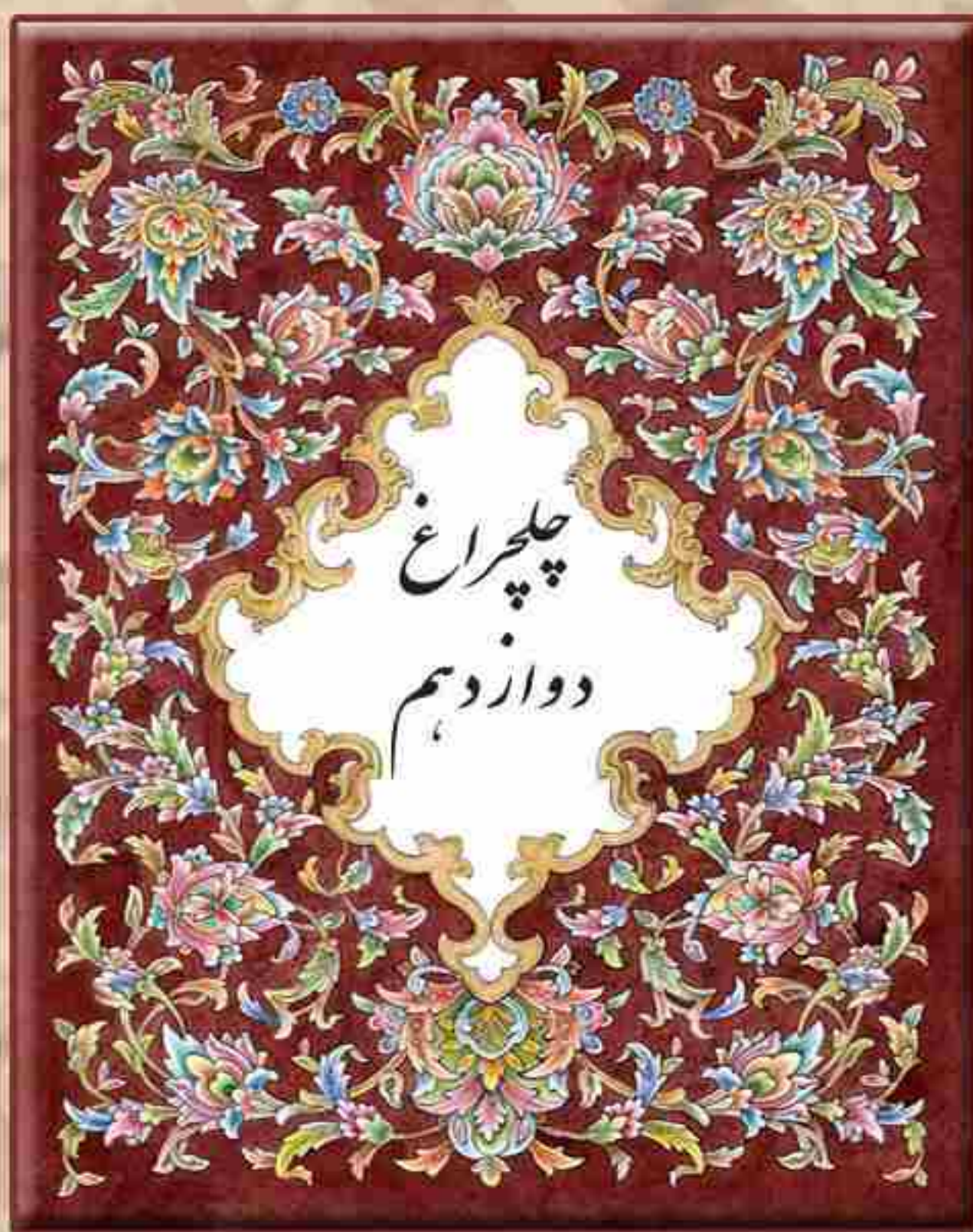
حاجه خاتون

شیرین

سوره اول
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا
هدى الله لنا
ولا لولا فضل
رحمته
والعظيم
الحمد لله رب العالمين
الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا
هدى الله لنا
ولا لولا فضل
رحمته
والعظيم

الحمد لله رب العالمين

الحمد لله رب العالمين



دکتر علیرضا صفدریان
خوشنویس چلچراغ دوازدهم و طراح، گرافست و پیوسته کتاب

۱۲۰۲

حامد امجدی

ای کز پیران حجاب ای صدوات
کن کلام از کمران ای صدوات
سور و ای مطرب دایم
کن عین جوارش ای صدوات

امجدی

با صدوات خود سرایم از این
رنج بار بار از تو پند
از صدوات می کشید از
و قفس از خواب جهالت را

حاجه امین

حاجه امین

خدا را شکر
که در هر روز
ما را به یاد
خداوند
فرستاده است
و ما را به یاد
خداوند
فرستاده است

خدا را شکر

خدا را شکر

حاجه اعظمه

روز عشق می نگارم صدوات
اشعار لطیف روز نگارم صدوات
بهار شاد و خالی درم
باز شاد می نگارم صدوات
باز دیدن چمن می نگارم صدوات

حاجه اعظمه

حامد اصفهانی

خوان با صدواش شهر زار دلی
را فکن به دلش به خود شاد دلی
عجب از کنی تو دم به دم با صدوا
بدرستی دوباره آباد دلی

مهرزاد

حامد اعظم

تأیه صلوات خود بخوان شده ام
را بدست می
این ای طراوت فصل بهار
بناظر ریایی سر و سامان شده ام

محمد تقی

حامد اعظم

از سبزه ابرو به درخت صلوات
بازد به طوطی دروای پارسین

مانند ترانه سبزه ابرو جان
بازدست شود اجاب جان

الحمد لله

ز کز صلوات بر سر مونس
 نابود شد غاصب باغیات
 باغیات فدک غره و بستان
 پادشاه ایمان بی شک

حامد اصفهانی
 کشفیه
 ۱۳۰۲

حاشیہ

12/12/12

زکوة صلوٰت باکس پوری
این نغمہ ازادی و کج پوری
زکوة صلوٰت باکس پوری
زکوة صلوٰت باکس پوری

حامد اعظمی

الحمد لله

حاجه اصفهانی
سین مینوشت نور ابرار
وزیر مینوشت نور حلاوت
وزیر

مهر شاه شکران راج
مهر مینوشت نور حاجت
مهر

حاجه اصفهانی

سَنَاءُ صَلَوَاتِ عَلَیْهِ أَزْوَاجُ
سَنَاءُ صَلَوَاتِ عَلَیْهِ أَزْوَاجُ

سَنَاءُ صَلَوَاتِ عَلَیْهِ أَزْوَاجُ

سَنَاءُ صَلَوَاتِ عَلَیْهِ أَزْوَاجُ
سَنَاءُ صَلَوَاتِ عَلَیْهِ أَزْوَاجُ

حیدر اصفهانی

حیدر اصفهانی

حامد اصفیاء

حاجہ اصفیاء

ہر صلوٰۃ کی نیابت

اس کی ہے

احسن
 مودت غور سلیمان
 بهار عشق و کبریا
 بهار خورشید و ماه

12/1

حاجی آصفیہ

سین صدوا کر دہ رست
حق ر دہ رست

رست رست
رست رست

حاجی آصفیہ

حادثه
بین ملوکات خورشید
و ملوکات خورشید

در میان روده ملوکات
و ملوکات خورشید

حادثه

من با صفا
مکمل
سبب
شماره
شماره

حاجه آصفیه

حاجه آصفیه

حادثه
محوست نازنی با
بهر
جست با
محوست نازنی قضا

تق با
محوست
نازنی
مکان
و از

حادثه
۱۲۰۶

[illegible]

حامد اصفیاء

12/3/14

حاجه اعظمه
بار صوابی شور و نو
را سوده شور

بار صوابی شاد و نو
را سوده شور

حاجه اعظمه

در صلوات بر ارباب
خواب و بیداری
و در صلوات بر ارباب
خواب و بیداری

حامد اصفهانی

محمد علی

ایک صوات میری پسند
ایک صوات میری پسند
ایک صوات میری پسند
ایک صوات میری پسند

حامد اصفیاء

ایک صوات میری پسند

در این سوختن کبریا
در این سوختن کبریا
در این سوختن کبریا
در این سوختن کبریا

حامد اصفا

حامد اصفا

بهار صوفی پند
درست خدای پند
رنگ پر یک صلا
خاندان پند

حامد اصفهانی

سید محمد

سویب بنیاد صلوات
راستی حق
رشدین صلوات
حاکم دینی

حامد اصفا

سید

اگر صدوات را بشنوی خورشید
مخوفی که در محراب
اگر صدوات را بشنوی خورشید
مخوفی که در محراب

حامد اصفهانی

محمود

حق صلوات حقین باری
ایستاد جهان و دیساری
دائم سواد می و ساری
کبر و غرور و ساری

حامد اصفا

کمال

سُبْحَتِ صَلَوَاتِ خَوَاصِّ رُوحَانِیَّهِ
دُرِّ زَبَدِ حَوَاصِّ نَفْسِ حَوَاصِّ
بَابِ صَلَوَاتِ رُوحِ حَوَاصِّ
رَبَّانِیَّهِ

حامد اصفهانی

سید محمد

حق با صلوات رزق و صلاح
ستی به مدی حق به ابر
بوده زار تا ابد این شکوه
مقدم صلوات بر حق است جا

حامد اصفهانی

محمد

حاجه صفیه
سینا صوات صدرا شکبار
کلی که خدا نموده را شکبار
سینا حاجه صفیه
سینا شکبار

حاجه صفیه

حاجه صفیه

حاجه صلوات بن بهار علی
کرامت
این خانه را می پرستم
و این را پرستان می

حاجه صلوات

حاجه صلوات

مقام صلواتی و صلواتی
و صلواتی و صلواتی
و صلواتی و صلواتی
و صلواتی و صلواتی

حاجه آصفیه

حاجه آصفیه

حاجه صفیه
ایک صلوات
سے
و در بار
خفت صلوات
از سان
رحمت

حاجه صفیه

حادثه
مجلس خود را تا اینجا
آتش را درون خود می‌پوش
و هنوز در میان
آتش و دود و دانه‌ها
آتش را درون خود می‌پوش

امیر

عقاب صومالی
خورشید سحر

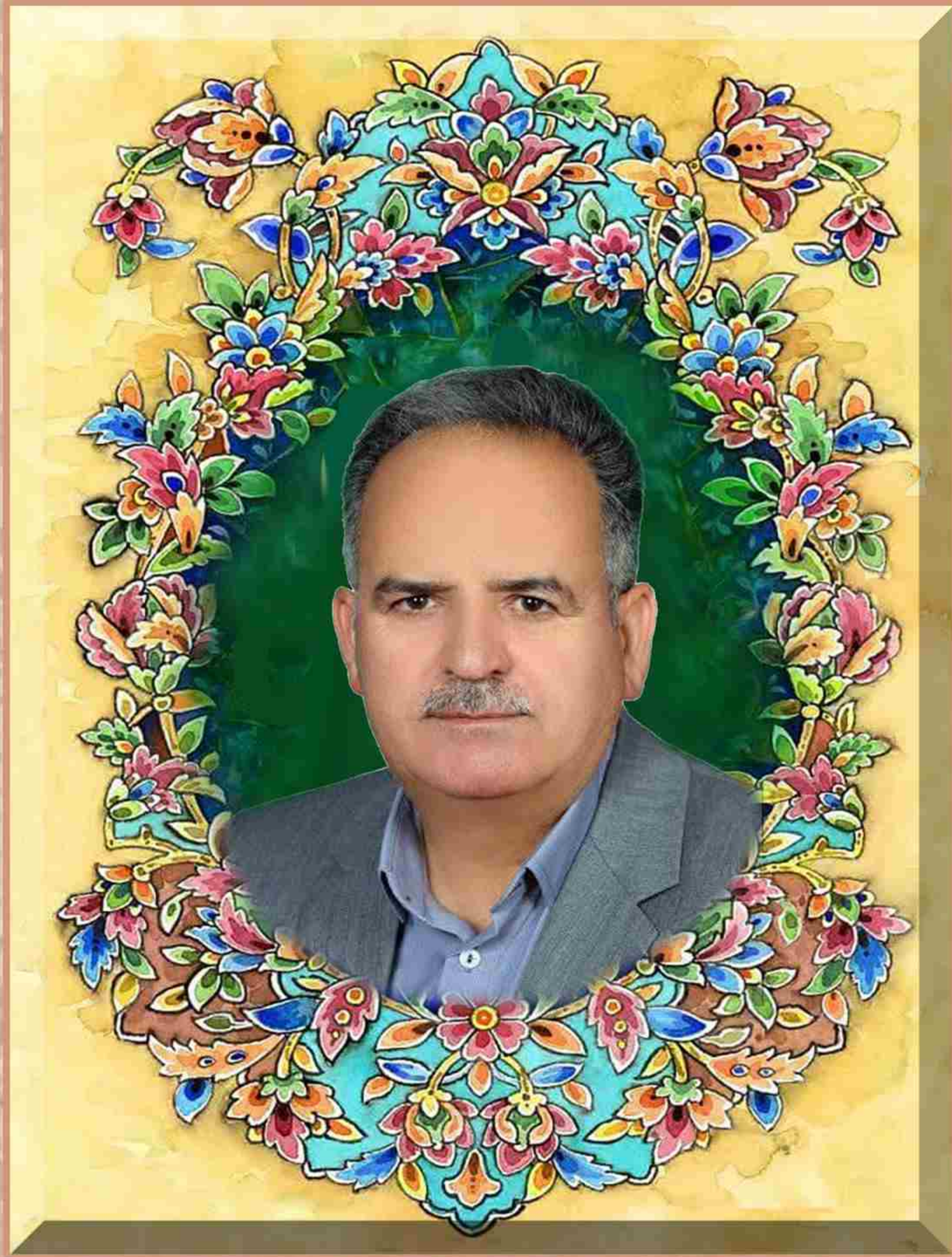
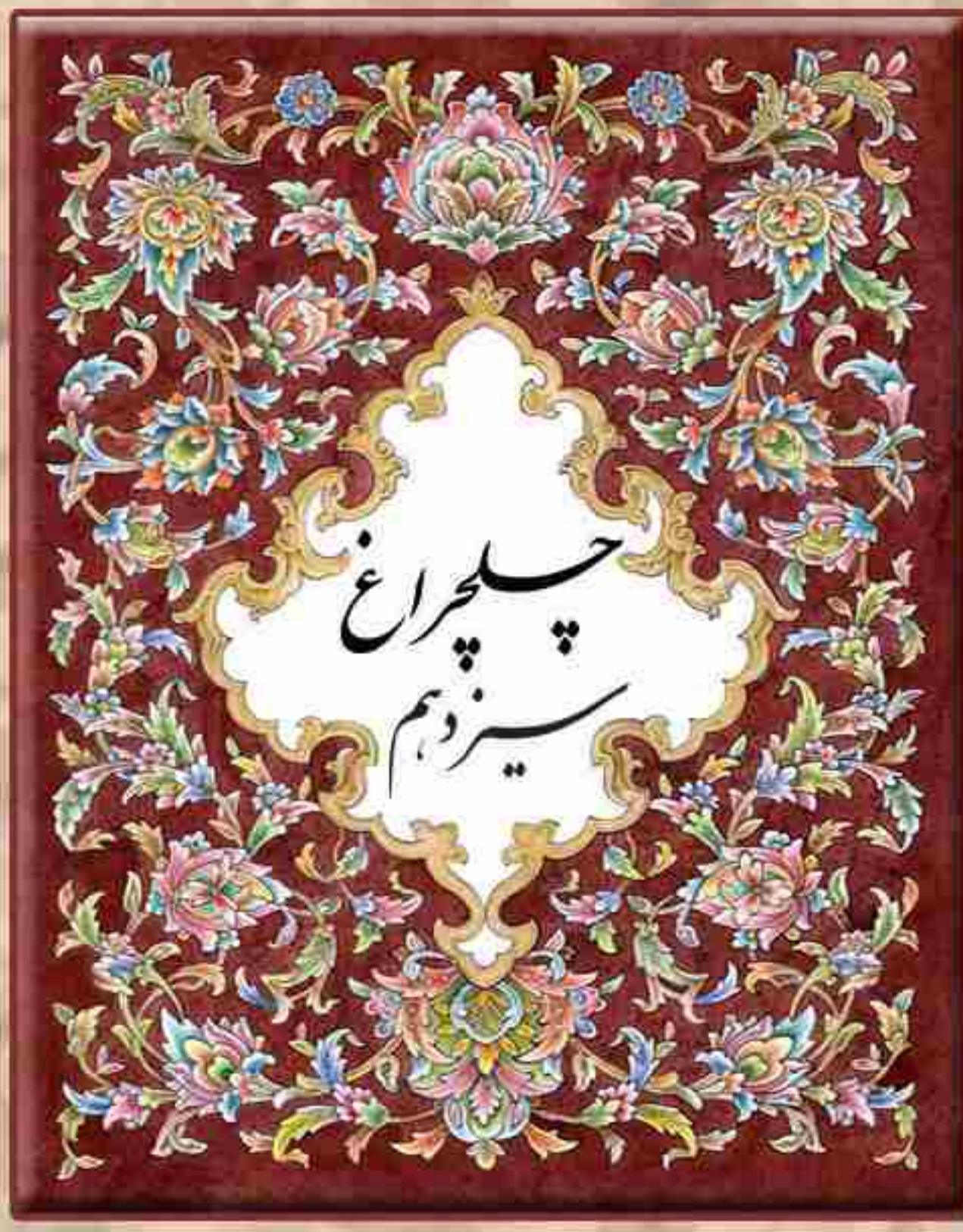
عقاب صومالی
خورشید سحر

حاجه اصفهانی

حاجه اصفهانی

حاجه اصفهانی
سر صوابت ازاد و ابرار
بازار کباب و عمارت
حسین زاری و عمارت

حاجه اصفهانی



استاد احمد عابدی شاپور آبادی
خوشنویس حسن پیران سیزدهم

حامد اصفهانی

اسماء مبارک شما پرست
بنام شما در این چو فرودین

و قی صلوای می و مرثیه
دام که اجابت دعا نصیب
تصنیف

احمد عابدی

حاجه اصفهانی

برآوردن برای سلام و صلوات
تسبیح و شهادتین و این دعا

درختی که در آن است
که درختی که در آن است
و علی اصلوات

احمدی
۱۴۰۵

حامد اصفهانی

سپید و سیاه و خاکستری
سپید و سیاه و خاکستری

باید که زانسانان
باید که زانسانان

آن نامه شود پاکست
آن نامه شود پاکست
پایه بر این جهان و افلاکست

احمد عابدی

حامد اصفهانی

حاجات من و عاشور باصلوات

تردید کن نام من در عشق من و عاشور باصلوات

احمد عابدی
۱۳۵۶

حامد اصفهانی

و کرم و صفت پیری با بساط
در کمال و کمال و کمال

و قیام و کمال و کمال
و کمال و کمال و کمال

احمد عابدی
۱۳۲۱

حاجه اصفهانی

خوای که رستم شود
سوء و غیب
آسوده شود توار شود

نام خدا فرستاد
در صلوات
تا نویس شود به اهل عصمت

احمد عابدی
۱۳۹۱

حامد اصفهانی

یارِ نیکو جانان
ز ناله‌ی لک‌ها و پیکان

از گیسوی کز صفا
شیر و دایه باران

احمد عابدی
۱۳۵۱

صلوات
بر اهل کلمه درانده
و بر بنیان رفیقان
و بر خصله و

مسکونه و اهل کلمه
و بر بنیان رفیقان
و بر خصله و

احمد عابدی
۱۳۰۶

حاصل

۱۴۰۵
۱۴۰۶

حامد اصفهانی

چشم زدن به راه صلوات
و تنفسی در طریقه صلوات

کس طبعان که در
و قیام خدیو به صلوات

رفیق

احمد عابدی

صلوات
حق با صلواتی که مبرورینند
دل ابد و لایست می عطاوند

یک صلواتی که از شوم
کام از زبان تو بیرون
آید

احمد عابدی
۱۳۴۴

مستوفی
مستوفی
مستوفی
مستوفی
مستوفی

این مستوفی
مستوفی
مستوفی
مستوفی
مستوفی

احمد غازی

شادمانی و خوشبختی
در دستان خدای
است و اینها را
فقط در دستان
خداست
و اینها را
فقط در دستان
خداست

احمد
۱۳۱۴

از صلوات روح دلشان
از بزم غم و غصه
از بزم غم و غصه
از بزم غم و غصه

ز میان گریه و اشک
ز میان گریه و اشک
ز میان گریه و اشک
ز میان گریه و اشک

از بزم غم و غصه

مستوا
نقوشی که بر سنگ حکاکیست
بزرگوار و زیور مقامتست

که بر سنگش خود را درمستوا
نگاشته اند و در سنگان سلاست

احمد جلدی
۱۳۱۰

صلوات
گلزاره رحمت چمنی صلوات
اگر صفتی زین گلزار صلوات

بدر گلزار صلوات
قوتی زین گلزار صلوات

احمد عابدی
۱۳۸۱

صلوات
اے اہل ایمان! اے اہل ایمان!
اے اہل ایمان! اے اہل ایمان!

اے اہل ایمان!

آوازی خوش
راست بیان
نارنگ صکوا

نارنگ
جام جم
نارنگ صکوا

احمد علی بی
۱۳۴۲

مست
عشق زیندگار
خود بدین آید و مر
نری

ارغی صلو است
چندین
خداوند
ارغی صلو است
چندین
خداوند

اعظمی
۱۳۲۴

صلوات
بابا زین العابدین
همراه هزار سالگی
شماره

دارند بامهر
حی و دو
شماره
صلوات
تکمیل

احمد عابدی
۱۳۰۴

صلوات
من باب صلوات لا اله الا الله
رسوده زدنای خیر شده

باب صلوات معرفت یافته
در دست اتم متعلی شده

احمد عابدی
۱۴۰۲

صلوات
بر صلوٰت امروزی و فرمان خدا
خود را بر این برکت است

بمراه فرشتگان و آدم و نوح
صلوات محمدی بی ریب و شک

احمد علی
ع.س.



صلوات
در روز است عید و یمن
باید در آب و جان
شیرین صلوات
باید در آب و جان
شیرین صلوات
باید در آب و جان
شیرین صلوات

احمد عابدی
۱۳۹۲

صلوات
دل آید لای عشق معطوفت
نخ زبیدی و امیر و نسیه
صلوات
شاید بودیم در کنار
این عمر دور و دور
اصحابی
۱۳۰۲

اگر مقصود من خداوند است
آسوده نوار فرود و آسود
اگر مقصود من خدا با صلوات
تا وارد فرود و آسود

ملک
ایویش شور و سرور
کیر و استغانت از خبر و صلا
از حق طلب
از حق طلب
نصرت اجابت
۱۴۰۳
احمد علی

صلوات
خاتم و سلسله درج
این ملک
خانی و ملک ازین
شکر خدا بر سر صلوات
۱۴۰۳
احمد علی

صلوات
بر پیرایه‌ی کشف و داده‌ی با
آن شیب و ولایت علی و

اگر از روبرو هر اصلوات
کشف و فطره‌ی از فطرتش آن
احمد عابدی
۱۳۸۰

صلوات
رساندگار تو پیش
از لطف خدای تو پیش

فرز گزینی که شکرستان
فرز صلوای تو پیش

احمد غازی
۱۳۴۲

حامد اصفهانی

از سوی حسن اوندولی احسان

فرمان بر سر دعا و صلوات

دانش غنی خلق لایب شد
انجمن علما کی باشد به صلاح

احمد غامدی

حاجه اصفهانی

ز اسرار خداوند مجرب
معارف غفلت و سرگرمی

مار برهان
شاید به حقان مجرب
انسان بی سر

احمد عابدی
۱۳۵۶

حامد اصغری
بر کلاه غمی به سپید دل داری
صد مانع به راه در پیش داری

بیک صلوات مانع و عیب رود
زگری که برای حل مشکل داری

احمد عابدی
۱۳۸۴

حامد اصفهانی

را که صلوات خانۀ آباد شو
زانده و بر این غصه از آرد شو

زانوی غم از غم در بک
بیک صلوات شب در آرد شو

احمد عابدی
۱۳۰۴

حامد اصفهانی

یارِ بزمِ صلواتِ یسار
را خطه در مملکتِ یسار

شعوری قلمی صلوات
از قلم و کلام خود کلام

احمد عابدی
۱۳۴۲

عبدالصفتی

ای باب کرم ای محیب الدنوا
از تو بختیبر و پادشاهان سلوا

ما که و من از زید کمان بر داری
از دست و فن خود برادر حاج

احمد غازی
۱۰۶۰

حامد اصفهانی

یارب رسول و غفرته پاک رسول
در صلوات با نظر ما و قبول

در زمره شیادان نیست مرا
در رحمت او مرا بگردان

احمد عابدی
۱۳۶۲

حامد اصغری
سلطان صنیعی رسول کینین
فرمود که میراث من است این

از بزرگواران و علمای کرام
از بزرگان و فاضلان کرام

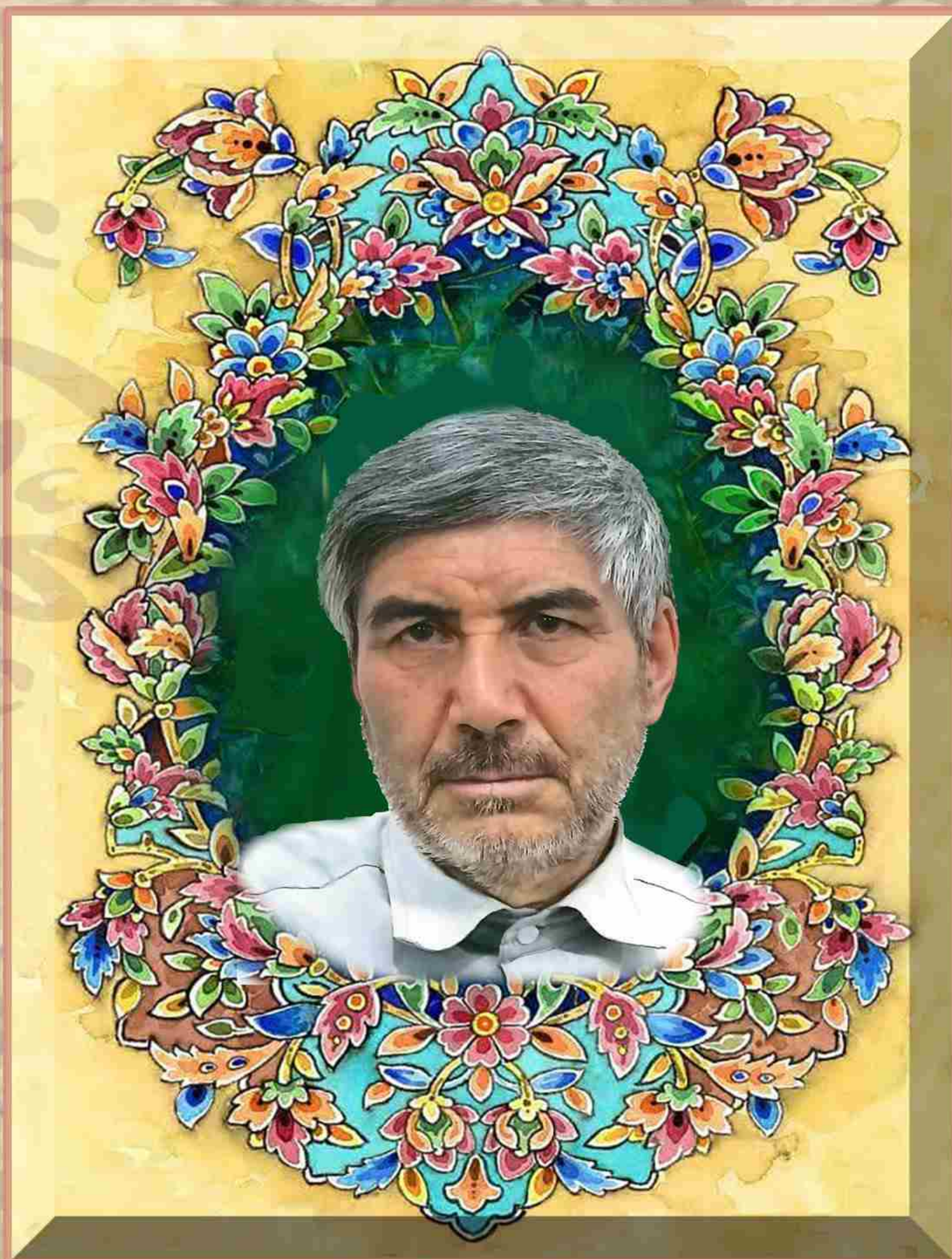
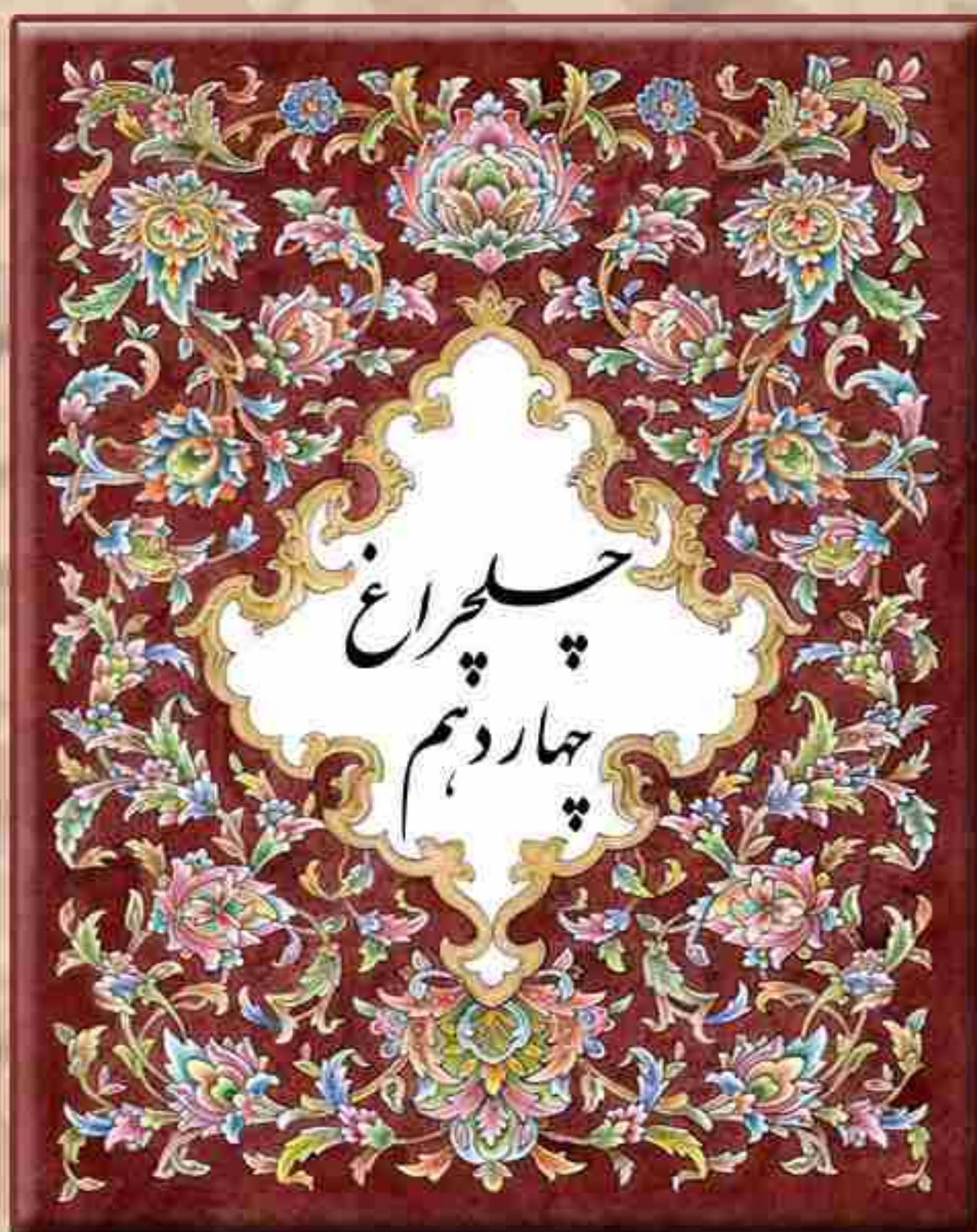
اعرابی
ع ۱۰۰

حاجه امین

مژده خدایارای کن
از کرمش رفع گرفتاری کن

فرز و فرست بر خیر صلو
والکیم به من غمزداری کن

احمد



استاد سید محمد کاظم ناصری
خوشنویس حسن پیراغ چهاردهم برادر افغانستانی ساکن قم

حاجہ اصفا



نیز حکم وصال در این روز
را که این شهر را خداوند
از بد وصال و غم و غم
و غم و غم و غم و غم

حامد اصفا

غلام

نوامی که یار و یار و یار
شمار نمودست
زین و دورت هم رسد
روزی بدید

حامد اصفهانی

نور علی

مادری که بود صدراش زین فدا
بنیاده قدم تو بر عالم فدا
غم است مدام بر جان تو
سکن زین زاریان تو

حامد اصفهانی

غلامرضا

حامد اصفي



پیرایه‌ی ناز و عذری جانان
باز لب و سحر و ملکوت
از هر دلیله‌ی جانان

حامد اصفهانی

نور علی

شیرین و نازنین
گلزار بهار
سلاسل بهار

حامد اصفا

غلام

تسبیح هزار بار صلوات
بر او که بر پادشاهان
رخاوندی بر خوددارد
پیش خورشید

حامد اصفهانی

نور علی

بر صلاحت کرامت و عبادت
ایک یک راجع
که دیده معارف و در آن موج
را جلوه می نویسد آن صواب

حامد اصفا

نور علی

توری به حکم خدای تعالی
ایستاده است در راه
باز صلاحت
من را نموده است
عبدالمجید
محمد

حامد اصفا

غلام



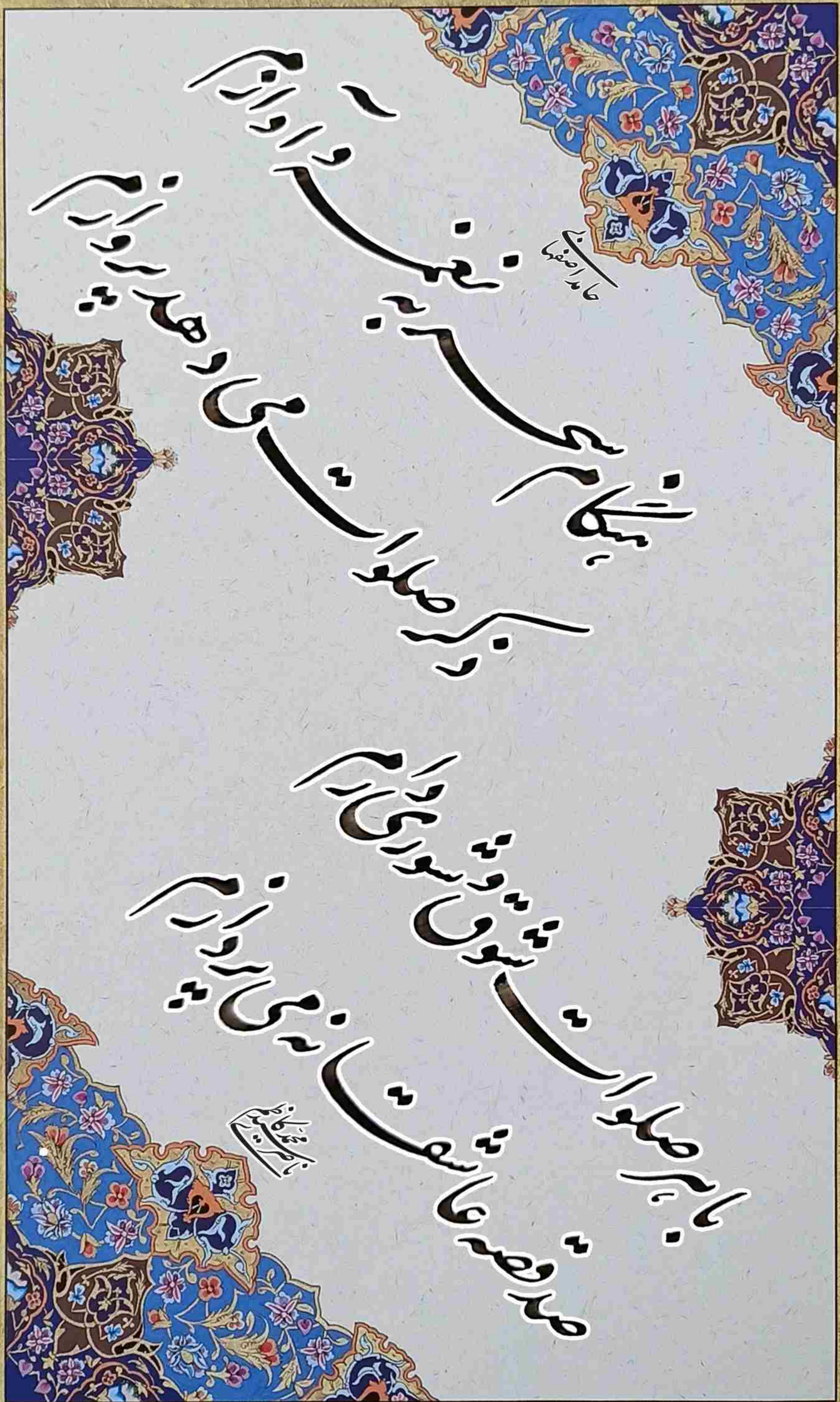
ابروباد کدھیب دار بچایی (۲۰×۲۱). کد: Y632

بار ملکوت خود را بشمار
یار بنور دامن شمع

حارثی

از کجاست خود را بجای
از ملکوت خود را بشمار

نورانی



حارثی

نور محمدی

عشق و صفا
در کتب و خط
عشق و صفا
در کتب و خط

حاجی

نور

فراوان بود این صفا
حسب در این صفا

در این صفا
حسب در این صفا

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله رب العالمين

حارثی

نورانی

و قیام از این دنیا
بزم در شهر باغ
سوره شکر باغ
آتش در آتش

حدا صفت
نکته

شوری به رسم شیده با این حد
کار اصفهانی

بار صکوات نورانی از همه
نورانی
اراده را دوباره در آید

اگر صلوات بر محمد و آل محمد
بسیار بخواند
مهر و پادشاهان
و پادشاهان
و پادشاهان

حاجی

نور

بر صفا و تقوی
و بر صفا و تقوی
و بر صفا و تقوی
و بر صفا و تقوی

حارثی

نکست

حامد اصفیاء

ای شمع خون شهیدان مہد

الامر

مین با صلوات خود بر سید صاحب
مبارک و شریف

نور محمدی

پیشانی پر گلزار
چرخ بر سر پیدار

حامد اصفهانی

نور محمدی

حامد اصفهانی

ایندیکجا
باب صلو

حسینی
باب صلو
عمر

نور محمدی

حامد اصفیاء

اگر صلوات بر پیغمبر
و آل او باد
آن صلوات خود را بر
مسلم بخوراد

نور محمدی

حامد اصفهانی

دوران
شرف و بیاپایی
در دورانی است
پسندیدنی

اگر صلوات
از خدای تعالی
بر این
روز ببارد

نور محمدی

حامد اصفهانی

بسی تشنه از این دهر
از این دهر و این دهر

بار صفا
وی صفا
وی صفا

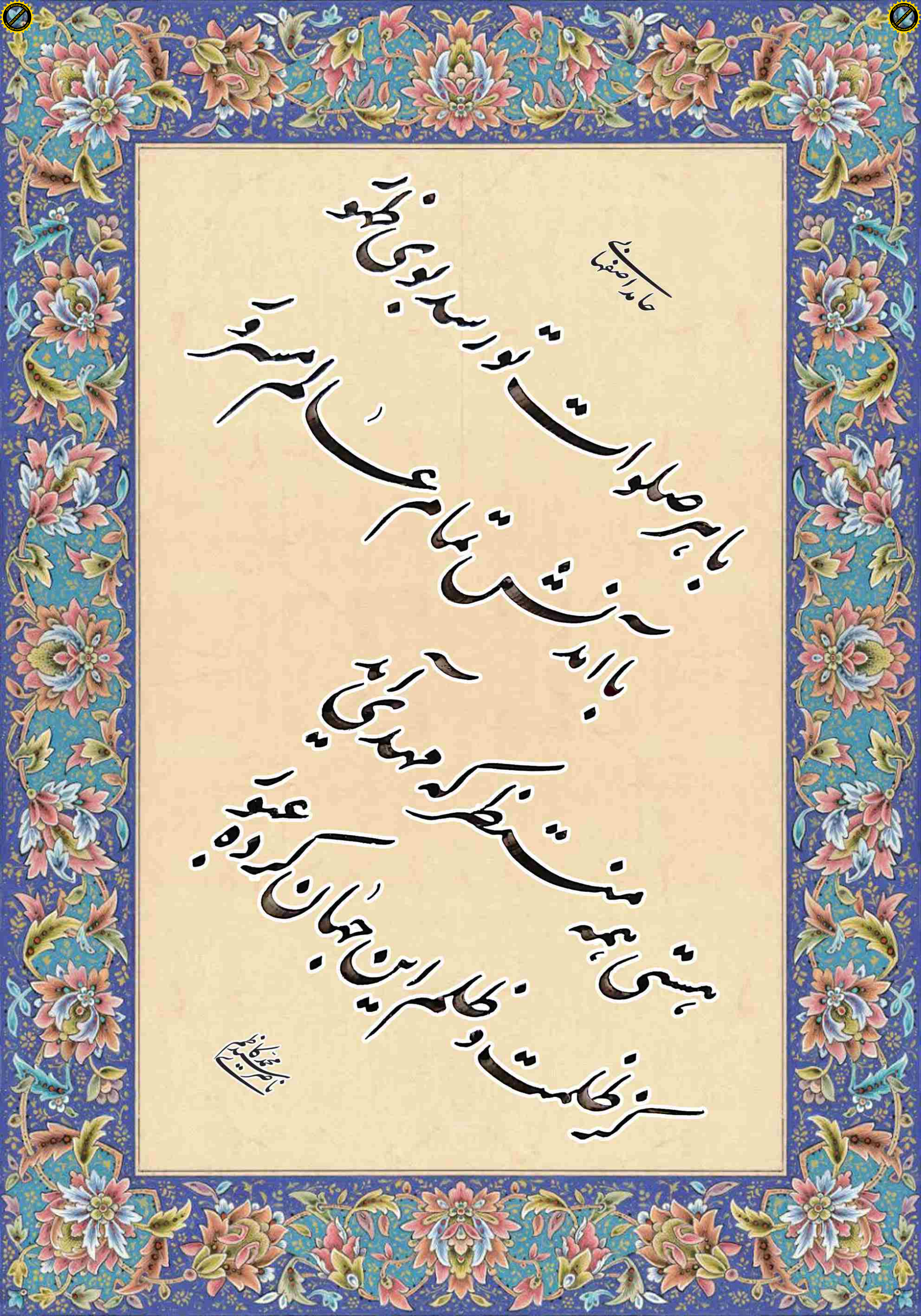
نور محمدی

حامد اصفهانی

ایستادگی در میان دشمنان
و شکر و سپاس از پروردگار
و بر صفا

و نور و هدایت
و بر صفا
و بر صفا

نور محمدی



عابد اصفیاء
بار ملکوت
زینت مہار
بابہ
نہی و حکم
مہر
نہی و حکم
مہر

عابد اصفیاء

حامد اصفہانی

ایمان و ایمان مسیحی
از استاد
دکتر محمد باقر
مطهری

مطهری

عبد الصغیر
شاہ شہزادہ شمس الدین
یوسف
شاہ شہزادہ شمس الدین
یوسف

شاہ شہزادہ شمس الدین

حامد اصفهانی

درمانده ام و خبر تو دارم من
چهاره ام و فقیه ام و با هم
دارای ام و صلوات بود
کان بدیدم بر روی چاکر

نادر قزوینی

ای حضرت ابراهیمؑ بود اتم صلوات
از نوکی توانم دستم صلوات
از باد و بن ز ندو بمهال رسول
از پیغمبی در درایت مقام صلوات

عبدالصفت

نظم قلمی

حامد اصفهانی

فروانی که عباد را فرستی بهشتی
یغلا بهشتی
دائم صلوات بر محمد و آله و سلم
نام محمد علی

عبدالصفتی

شوری بادلم گفت ده مردم صلوات
نموده مرا به راه مصیبت صلوات

ان کلین و عروا لوقی بین
ان کلین و عروا لوقی بین

نادر قلی

عالم اصفا
این گفته حامد بدین
شان صلوات بر ارباب حق
مقصود از این کتاب صلوات
عظیمی بکرم خدای تعالی
نام خدای تعالی

حامد اصفهانی

زکر صلواتی
مستی
انسان با صلوات خود دوست افتاد
بملاک خود را و بهر
داده بود

نادر گلشن

حامد اصفهانی

پیشانی در پیشانی
سایه باران

پیشانی در پیشانی
پیشانی در پیشانی

نور محمدی

حامد اصفهانی

در کمال صفا و نورانی
و در کمال صفا و نورانی

در کمال صفا و نورانی
و در کمال صفا و نورانی

نورانی

حامد اصفہانی

سن بادلوں کی غبار
ہو رہی ہے سب سے زیادہ
میں غبار کی غبار
میں غبار کی غبار

نور محمد خان

حامد اصفهانی

سنة صلوات رزقكم الله

سنة صلوات رزقكم الله

سنة صلوات رزقكم الله

سنة صلوات رزقكم الله

